

Analysis of the Impact of Budget Deficit, Trade Deficit, and Savings Gap on Economic Welfare in Iran

Shahryar Zaroki^{*}, Mehdi Hasanpour Varkolaei^{}**

Fatemeh Malatbar Firouzjaei^{*}**

Abstract

Analyzing the impact of deficits on economic welfare is a crucial issue in understanding Iran's economic challenges. This research investigates this topic in Iran using an autoregressive distributed lag model over the years 1350 to 1402. The composite welfare index is used as the measure of economic welfare. Short-run results indicate that the ratio of budget deficit to output and trade deficit to output have negative effects, while the ratio of the savings-investment gap to output has a positive effect on economic welfare. Inflation and per capita income also have negative and positive effects on welfare, respectively. In terms of magnitude, the adverse effect of the budget deficit is larger than the adverse effect of the trade deficit, and the former's effect also outweighs the positive effect of the savings-to-output gap. However, regardless of whether they are desirable or undesirable, the size of the effect of the trade deficit and budget deficit is larger than the size of the effect of the savings-investment gap. In the long run, similar results are observed, with the difference that the positive effect of the savings-investment gap outweighs the undesirable effect of the budget deficit but is still less than the combined effects of the budget and trade deficits. These findings highlight the need for economic reforms to manage financial and trade deficits and to strengthen savings and investment to improve the level of welfare in Iran.

Keywords: welfare, budget deficit, trade deficit, savings gap, Iran.

JEL Classification: I31, H62, C22.

^{*} Associate Professor, Department of Energy Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
(Corresponding Author), sh.zaroki@umz.ac.ir

^{**} Ph.D. Candidate of Economic Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran,
mehdihasanpour788@gmail.com

^{***} Master's degree graduates in Economics, Mazandaran University, Babolsar, Iran, fatemeh1373mf@gmail.com

Date received: 18/01/2025, Date of acceptance: 20/05/2025





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس انداز بر رفاه اقتصادی در ایران

شهریار زروکی*

مهدی حسن پور ورکلائی**، فاطمه ملاتبار فیروزجایی***

چکیده

تحلیل اثر کسری‌ها بر رفاه اقتصادی، مسئله‌ای کلیدی در فهم چالش‌های اقتصادی ایران است. این تحقیق با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به بررسی این موضوع در ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲ می‌پردازد. معیار رفاه اقتصادی، شاخص ترکیبی رفاه است. نتایج کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که نسبت کسری بودجه به تولید و کسری تجاری به تولید آثار منفی و نسبت شکاف پس انداز و سرمایه‌گذاری به تولید اثر مثبت بر رفاه اقتصادی دارد. تورم و درآمد سرانه نیز به ترتیب تأثیرات منفی و مثبت بر رفاه دارند. از منظر اندازه، اثر نامطلوب کسری بودجه بزرگتر از اثر نامطلوب کسری تجاری است و اثر اولی نسبت به اثر مثبت شکاف پس انداز به تولید نیز غالب است. اما فارغ از مطلوب یا غیر مطلوب بودن، اندازه اثر کسری تجاری و کسری بودجه، بزرگتر از اندازه اثر شکاف پس انداز و سرمایه‌گذاری است. در بلندمدت، نتایج مشابهی مشاهده می‌شود، با این تفاوت که اثر مثبت شکاف پس انداز و سرمایه‌گذاری از اثر نامطلوب کسری بودجه پیشی می‌گیرد ولی همچنان از مجموع اثرات کسری بودجه و تجاری، کمتر است. این یافته‌ها ضرورت اصلاحات اقتصادی برای مدیریت کسری‌های مالی و تجاری و تقویت پس انداز و سرمایه‌گذاری جهت ارتقای سطح رفاه در ایران را نشان می‌دهند.

* دانشیار گروه اقتصاد انرژی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)، sh.zaroki@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، mehdihasanpour788@gmail.com

*** کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، fatemeh1373mf@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰



کلیدواژه‌ها: رفاه، کسری بودجه، کسری تجاری، شکاف پس‌انداز، ایران.

طبقه‌بندی JEL: I31، H69، C22.

۱. مقدمه

رفاه اقتصادی یکی از اهداف کلیدی و اساسی در فرآیند توسعه پایدار هر کشور محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی گوناگون و متنوع قرار می‌گیرد. این امر به ویژه در کشورهایی مانند ایران، که به دلیل تحریم‌ها، نوسانات شدید و مداوم در بازار و همچنین چالش‌های داخلی در وضعیت دشواری قرار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در چنین زمینه‌ای، بررسی دقیق و جامع تأثیرات مختلف بر رفاه اقتصادی به دلیل نامشخص بودن شرایط، به یکی از نیازهای ضروری تبدیل شده است. کسری بودجه، کسری تجاری و همچنین شکاف پس‌انداز (شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری)، به عنوان عوامل و متغیرهای اصلی، در سال‌های اخیر تأثیر بسزایی بر وضعیت اقتصادی کشور داشته‌اند و بنابراین نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی دقیق نقش این کسری‌ها بر رفاه اقتصادی در ایران است و در قالب چندین فرضیه مطرح می‌شود؛ نخست آنکه انتظار می‌رود کاهش کسری بودجه و کسری تجاری در کوتاه‌مدت منجر به بهبود رفاه اقتصادی در ایران می‌شود، اما در بلندمدت ممکن است اثرات متفاوتی داشته باشد. ثانیاً، انتظار می‌رود افزایش شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و سازنده‌ای بر رفاه اقتصادی داشته و بتواند منجر به بهبود شاخص‌های رفاهی در بلندمدت شود. ثالثاً، روابط بین این عوامل و رفاه اقتصادی در دوره‌های زمانی مختلف متفاوت است و شرایط اقتصادی و سیاسی می‌تواند این رابطه‌ها را تعدیل کند. این فرضیه‌ها، بر مبنای نظریه‌های اقتصادی و شواهد پیشین، انتظار دارند که روابط میان کسری‌ها و رفاه اقتصادی به صورت وابسته به شرایط زمانی و سیاست‌های اقتصادی کشور، متفاوت باشد. تاکنون، چندین پژوهش و تحقیق در این زمینه انجام شده است؛ ولی آنچه که این تحقیق را منحصر به فرد می‌سازد، رویکرد همزمان و جامع به مطالعه اثرات هر سه کسری نامبرده بر رفاه اقتصادی است. در این راستا، در پژوهش حاضر از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (autoregressive distributed lag model) استفاده شده است که قابلیت تحلیل داده‌ها را افزایش می‌دهد و به محقق این امکان را می‌دهد تا نتایج دقیق‌تری را برای دوره زمانی گسترده‌تری به دست آورد. داده‌های مورد نیاز این تحقیق از منابع معتبر و شناخته‌شده‌ای چون بانک مرکزی، مرکز آمار و بانک جهانی استخراج و جمع‌آوری شده است.

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۰۷

این داده‌ها برای دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲ گردآوری شده و نسبت کسری‌های مربوطه به تولید، به عنوان متغیرهای مستقل در تحلیل‌ها لحاظ شده‌اند. این تحقیق همچنین به بررسی روند حرکتی شاخص رفاه اقتصادی در ایران و مقایسه اثرات مختلف کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس‌انداز بر رفاه اقتصادی پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت، کسری تجاری و کسری بودجه اثر منفی و نامطلوبی بر وضعیت رفاه اقتصادی داشته است، در حالی که شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و سازنده‌ای بر رفاه اقتصادی داشته است. همچنین در بلندمدت، این نتایج نیز تداوم دارند و به طور کلی در آمد سرانه تأثیر مثبتی بر رفاه اقتصادی به جای می‌گذارد، در حالی که تورم اثر منفی و مخربی بر این وضعیت دارد. از منظر اندازه‌گیری و تحلیل، تأثیر مخرب کسری‌های تجاری و بودجه در کوتاه‌مدت به مراتب بیشتر از تأثیر مثبت شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است و در عوض در بلندمدت شرایط به شکل معکوس خواهد بود و این نکته بسیار قابل توجه است. تمایز این مطالعه با سایر پژوهش‌ها در این است که داده‌ها و تحلیل‌ها در یک دوره زمانی وسیع‌تر انجام گرفته که شامل انواع مختلف پدیده‌های سیاسی و اقتصادی در ایران می‌باشد. از سوی دیگر، استفاده از یک شاخص ترکیبی رفاه که به صورت جامع و فراگیر عمل می‌کند، به پژوهش حاضر ابعادی جدید و قابل توجهی می‌بخشد. همچنین، تحقیق حاضر به عنوان یک رویکرد نوین به بررسی همزمان اثر این سه کسری پرداخته است، در حالی که در مطالعات پیشین عموماً تنها یک نوع کسری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. ساختار کلی مقاله بدین صورت تنظیم شده است که در بخش اول و پس از مقدمه، به مبانی نظری تحقیق و پیشینه مطالعات مرتبط خواهیم پرداخت. در قسمت دوم، روش‌شناسی پژوهش که شامل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌شود، به تفصیل آمده است. بخش سوم نتایج تجزیه و تحلیل و بررسی یافته‌ها را به همراه بحث‌های مربوطه بیان خواهد کرد و در نهایت، در بخش چهارم، نتیجه‌گیری و پیشنهادات مرتبط با بهبود وضعیت رفاه اقتصادی در ایران ارائه خواهد شد.

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲ مبانی نظری

۱.۱.۲ رفاه اقتصادی

رفاه مفهومی چندوجهی است که شامل جنبه‌های مختلفی از رفاه انسانی، حمایت اجتماعی و امنیت اقتصادی می‌شود. این مفهوم معمولاً از طریق تجربیات فردی، سیستم‌های حمایتی اجتماعی و تأثیر سیاست‌های عمومی تعریف می‌گردد. در واقع، رفاه به کیفیت زندگی و تجربیات فردی مرتبط است، از جمله احساس شادی و تحقق اهداف (سلایفیمو (Celeifimmo)، ۲۰۲۲). مباحث فلسفی به این موضوع می‌پردازند که آیا رفاه به خواسته‌های شخصی یا کالاهای مستقل مربوط می‌شود که این امر پیچیدگی آن را نمایان می‌سازد (سلایفیمو (Celeifimmo)، ۲۰۲۲). در معنای محدودتر، رفاه به کمک‌های مادی که دولت ارائه می‌دهد اشاره دارد و هدف آن تأمین امنیت اجتماعی برای شهروندان است (بانازاک (Banaszak)، ۲۰۲۱). همچنین، رفاه عمومی شامل انتقال درآمد و خدماتی است که توسط دولت تأمین مالی می‌شود و هدف آن پیشگیری از فقر و ارتقاء رفاه است (گریو (Greve)، ۲۰۱۸). تفسیرهای مختلف از رفاه شامل نیازهای فردی، رفاه جمعی و خیر عمومی است که نشان می‌دهد سیستم‌های رفاهی معمولاً در پرداختن به تمام جنبه‌های رفاه، نقص‌هایی دارند (اسپیکر (Spicker)، ۲۰۲۲). در حالی که رفاه معمولاً به عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی به‌طور مثبت تلقی می‌شود، ممکن است.

پانیک (Panich) (۲۰۰۷) اشاره می‌کند که ثروت و پول به‌عنوان هدف نهایی در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به رفاه عمل می‌کنند. به همین دلیل، مفهوم پول و ثروت به‌عنوان نماد رفاه به تدریج اعتبار خود را از دست داده و برای تفسیر جامع‌تر رفاه، از مؤلفه‌هایی نظیر تولید سرانه، ضریب جینی، تعداد افراد زیر خط فقر، امنیت و موارد مشابه استفاده شده است (گریو (Greve)، ۲۰۰۸). در این زمینه، شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل شاخص‌هایی است که تنها بعد خاصی از رفاه، مانند سرانه درآمد ملی، را اندازه‌گیری می‌کنند و به آن‌ها شاخص‌های منفرد گفته می‌شود. دسته دوم شامل مجموعه‌ای از این شاخص‌های منفرد است که به آن‌ها شاخص‌های ترکیبی اطلاق می‌شود (کفایی و پورفتحی، ۱۳۹۸). در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به شاخص‌های ترکیبی معطوف شده است، زیرا شاخص‌های منفرد مانند تولید ناخالص داخلی نمی‌توانند تصویر کاملی از رفاه ارائه دهند (حری و همکاران، ۱۳۹۹). یکی دیگر از انتقادات به شاخص‌های

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۰۹

منفرد این است که انتظار می‌رود کشورهای با رشد تولید بالاتر، از رفاه بیشتری نیز برخوردار باشند، در حالی که این همیشه درست نیست (کفایی و پورفتحی، ۱۳۹۸). شارپ (Sharpe) (۱۹۹۹)، به بررسی و رتبه‌بندی شاخص‌های گوناگون رفاه، شامل ابعاد اقتصادی و اجتماعی، بر اساس قابلیت‌های هر یک از این شاخص‌ها پرداخت. در این میان، شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی بالاترین امتیاز را کسب کرد. نتایج این مقایسه در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. ارزیابی شاخص‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی

LS	SH	IEWB	GPI	MEW	معیارها شاخص‌ها
۴	۴	۴	۴	۴	هدف سیاست عمومی
۰	۱	۴	۱	۳	زمینه در ایجاد تئوری مناسب
۴	۴	۴	۴	۴	امکان تفکیک‌پذیری
۴	۴	۴	۴	۴	توانایی سازگاری با سری‌های زمانی
۲	۳	۲	۱	۲	اطمینان و اعتبار شاخص ترکیبی و اجزا
۱	۳	۳	۲	۱	سودمندی برای سیاست‌گذاران
۲/۵	۳/۲	۳/۵	۲/۸	۳	متوسط رتبه‌بندی

منبع: شارپ (Sharpe) (۱۹۹۹)

رفاه اقتصادی که به طور کلی نشان‌دهنده سطح رضایت‌مندی و بهبود کیفیت زندگی افراد است، تحت تأثیر عوامل اقتصادی متعددی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، شاخص‌های مالی و اقتصادی مانند کسری بودجه، کسری حساب جاری و شکاف پس‌انداز-سرمایه‌گذاری هستند که می‌توانند تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه داشته باشند.

۲.۱.۲ کسری‌های دولتی

کسری بودجه زمانی رخ می‌دهد که هزینه‌های دولت بیشتر از درآمدهای آن باشد. این وضعیت ممکن است منجر به افزایش بدهی عمومی، کنترل نامناسب بر هزینه‌ها، و افزایش بهره‌ها شود که همگی می‌توانند سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را محدود کنند و در نتیجه رفاه جامعه کاهش یابد. از نظر ادبیات نظری، کسری بودجه مداوم به دلیل فشار بر منابع مالی و افزایش بار بدهی، اثر مخربی بر پایداری اقتصادی دارد. کسری حساب جاری نشان‌دهنده

واردات بیشتر از صادرات است. این وضعیت معمولاً نشان‌دهنده استقراض کشور از خارج است و ممکن است ارزش پول ملی را کاهش دهد و قدرت خرید مردم را کم کند. چنین وضعیتی، اگر ادامه‌دار باشد، می‌تواند منجر به بروز ناپایداری ارزی و کاهش رضایت‌مندی عمومی گردد. شکاف پس‌انداز-سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تفاوت بین میزان پس‌انداز داخلی و سرمایه‌گذاری است. در کشورهایی که سرمایه‌گذاری بیشتر از پس‌انداز است، نیاز به واردات سرمایه و بدهی خارجی وجود دارد. این وابستگی ممکن است در بلندمدت موجب ناپایداری و کاهش رفاه شود، بخصوص در صورت نوسانات جریان سرمایه خارجی (ملینی و سیلوا (Mellini & Silva)، ۲۰۲۲).

کسری‌های دوقلو در اقتصاد ایران به وضعیت همزمان کسری بودجه و کسری حساب جاری اشاره دارد. این پدیده به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به عنوان یک چالش اقتصادی مهم شناخته می‌شود. در تعریف کسری بودجه باید بیان داشت که کسری بودجه زمانی اتفاق می‌افتد که دولت بیش از درآمد خود هزینه کند. این کسری می‌تواند ناشی از عدم کنترل هزینه‌ها، کاهش درآمدهای مالیاتی، یا کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز باشد. همچنین، در تعریف مختصر از کسری حساب جاری باید اذعان داشت که کسری حساب جاری به عدم توازن در معاملات بین‌المللی اشاره دارد، که معمولاً به دلیل واردات بیشتر از صادرات و یا انتقالات مالی به خارج ایجاد می‌شود. این کسری می‌تواند به کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهی خارجی منجر شود. اما فرضیه کسری دوگانه بیان می‌کند که کسری بودجه و کسری حساب جاری به طور همزمان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. کسری‌های دوتایی، که معمولاً به عنوان "کسری‌های دوقلو" شناخته می‌شوند، زمانی رخ می‌دهند که یک کشور همزمان با کسری بودجه و کسری حساب جاری مواجه باشد. این پدیده می‌تواند تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی و رفاه داشته باشد و تأثیرات آن بسته به زمینه اقتصادی متفاوت خواهد بود (فورکری (Furceri) و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات نشان می‌دهند که این دو کسری می‌توانند آثار منفی بر عملکرد اقتصادی کشور داشته باشند (کهنسال و علیزاده، ۱۳۹۴). کسری‌های دوقلو قطعاً دارای پیامدهایی نیز خواهد بود. وجود کسری‌های دوقلو می‌تواند منجر به افزایش نرخ تورم، کاهش سرمایه‌گذاری، و ناپایداری اقتصادی شود. همچنین، تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض داخلی یا خارجی می‌تواند به تشدید مشکلات اقتصادی منجر گردد. در نتیجه، مدیریت همزمان این دو کسری برای بهبود وضعیت اقتصادی ایران ضروری است (گیلگ حکیم آبادی و همکاران، ۱۴۰۱).

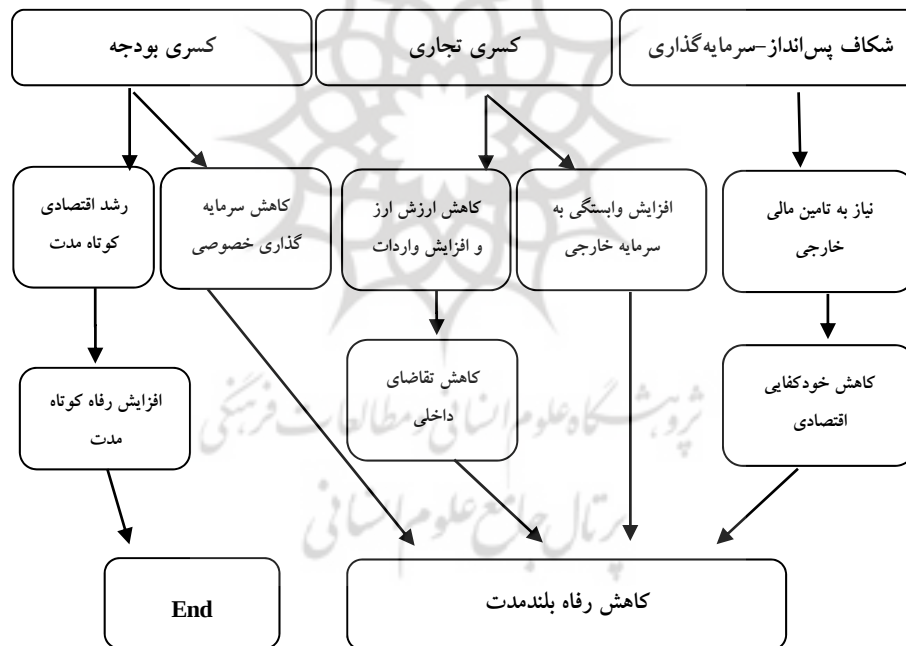
۳.۱.۲ کسری‌ها و رفاه

کسری بودجه مزمن، کسری تجاری فزاینده و شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری گسترده، تهدیدی سه‌گانه برای رفاه اقتصادی یک ملت هستند. هنگامی که دولت‌ها به‌طور مداوم بیشتر از آنچه که درآمده‌اند خرج می‌کنند (کسری بودجه)، بدهی عمومی را افزایش می‌دهند، احتمالاً نرخ بهره را افزایش می‌دهند و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را خنثی می‌کنند. در عین حال، کسری تجاری که در آن واردات از صادرات بیشتر است، نشان می‌دهد که یک کشور به‌طور خالص در حال استقراض از بقیه جهان است که می‌تواند منجر به کاهش ارزش پول داخلی و کاهش قدرت خرید شود. علاوه بر این، شکاف بین پس‌انداز داخلی و سرمایه‌گذاری که در آن سرمایه‌گذاری از پس‌انداز بیشتر است، نیازمند اتکا به سرمایه خارجی برای تامین مالی رشد است که کشور را در برابر نوسانات جریان سرمایه آسیب‌پذیرتر می‌کند و پایداری اقتصادی بلندمدت را به خطر می‌اندازد. این نیروهای در هم تنیده، در صورت عدم رسیدگی، پتانسیل کاهش استانداردهای زندگی، مانع رشد اقتصادی و ایجاد عدم قطعیت اقتصادی را دارند.

در مطالعه‌ای، فورکری و زدینیچکا (Furceri & Zdzienicka) (۲۰۲۰)، جهت نمایان ساختن اثر کسری‌های دوقلو بر هم و تأثیرات بر رشد اقتصادی نشان دادند افزایش غیرمنتظره در توازن بودجه دولت به میزان یک درصد از تولید ناخالص داخلی می‌تواند توازن حساب جاری را به میزان $0/8$ درصد بهبود بخشد، به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه. در حالی که کسری‌های دوتایی می‌توانند رشد کوتاه‌مدت را تحریک کنند، اما خطراتی برای پایداری و ثبات اقتصادی بلندمدت به همراه دارند که نیاز به مدیریت مالی دقیق دارد. همچنین، رای و برگ (Roy & Berg) (۲۰۰۹) در تحقیقات خود به رابطه مبهم میان این کسری اشاره کردند. از نظر آن‌ها، در حالی که کسری‌های بودجه ممکن است به دلیل اثرات بالقوه بیرون راندن، رشد را کند کنند، کسری‌های حساب جاری می‌توانند به طرز پارادوکسیکالی رشد را تحریک کنند، که منجر به تأثیر کلی مبهمی بر عملکرد اقتصادی می‌شود. البته تأثیرات کسری‌های دوتایی در دوران رکود و در کشورهایی با رژیم‌های نرخ ارز کمتر انعطاف‌پذیر بیشتر مشهود است. همچنین، کشورهایی که بیشتر به تجارت باز هستند، معمولاً تأثیرات بزرگ‌تری از کسری‌های دوتایی را تجربه می‌کنند، که اهمیت روابط اقتصادی خارجی را نشان می‌دهد (فورکری (Furceri) و همکاران، ۲۰۲۰). شایان ذکر است که کسری‌های دوتایی مداوم می‌توانند به سطوح بدهی خارجی غیرقابل تحمل منجر شوند که ممکن است ثبات و رشد اقتصادی بلندمدت را مختل کند (ملینی و سیلوا (Mellini And Silva)، ۲۰۲۲). رابطه بین کسری‌های بودجه و جاری نشان

می‌دهد که سطوح بالای هر دو می‌تواند رشد پایدار را مختل کند، همان‌طور که در ایالات متحده در دهه ۱۹۸۰ مشاهده شد که منجر به افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی گردید (ورای (Wray)، ۲۰۰۶). در غنا، کسری‌های مداوم بودجه با تأثیرات منفی بر رشد اقتصادی مرتبط بوده و نیاز به اصلاحات سیاستی برای معکوس کردن روندهای غیرقابل دوام را ضروری می‌سازد (کوراتین (Kurantin)، ۲۰۱۷). فرضیه کسری‌های سه‌گانه به هم‌پیوندی کسری‌های بودجه، جاری و پس‌انداز سرمایه‌گذاری اشاره دارد و بر نیاز به سیاست‌های کلان اقتصادی متعادل تأکید می‌کند (شن (Şen) و همکاران، ۲۰۱۴). در حالی که پدیده کسری دوگانه چالش‌هایی را به همراه دارد، برخی معتقدند که سیاست‌های مالی استراتژیک می‌توانند این اثرات را کاهش دهند و محیط اقتصادی پایداری را تقویت کنند.

در شکل زیر، نحوه‌ی اثرگذاری کسری‌ها، از کانال‌های مختلف، بر رفاه اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت نمایش داده شده است:



شکل ۱. نحوه‌ی اثرگذاری کسری‌ها بر رفاه

منبع: یافته‌های پژوهش

۲.۲ مبانی تجربی پژوهش

کیم هنگ (Kim-Heng) (۱۹۹۷) در پژوهشی به بررسی اینکه آیا کسری بودجه می تواند رفاه را هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت بهبود بخشد؟ پرداخت. او با استفاده از از مدل نئوکلاسیک بدهی عمومی که مصرف کنندگان با عمر محدود را در نظر می گیرد و به تحلیل اینکه چگونه کسری بودجه بر پس انداز، نرخ های بهره و سرمایه در طول زمان تأثیر می گذارد، نشان دادند که کسری بودجه در دراز مدت با بهبود رفاه همراه است اگر مالیات بر درآمد سرمایه ای با اندازه مناسب با توجه به محیط نرخ بهره بالا تحمیل شود و این بهبود رفاهی به قیمت کاهش رفاه در کوتاه مدت نیست. لازم به ذکر است، مطالعه فوق بر تأثیر کسری بودجه بر رفاه با استفاده از روش تعادل عمومی ایستا تمرکز دارد درحالی که پژوهش حاضر، با استفاده از رویکر پویای سیستمی، به تأثیر همزمان کسری بودجه، تجاری و شکاف پس انداز بر رفاه در کوتاه مدت و بلندمدت می پردازد.

استولورز (Stolorz) (۲۰۰۵)، در مطالعه ای خود تحت عنوان: "اثرات رفاهی درک شده کسری حساب جاری - شواهدی از اقتصاد آمریکا ۱۹۶۷-۲۰۰۵" با استفاده از تحلیل خودرگرسیون برداری (Vector Autoregression (VAR) Analysis) برای تفکیک خروجی بالقوه و حرکات چرخه ای در عوامل درونزا و با استفاده از داده های سال های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ نشان داد که اثرات رفاهی درک شده که با سطوح اعتماد مصرف کننده اندازه گیری می شود، به طور نامتقارن منعکس کننده نوسانات در صادرات و واردات است و با باز کردن اقتصاد، نوسانات مشاهده شده، اعتماد مصرف کننده را افزایش می دهد و وجود کسری حساب جاری امکان دستیابی به رفاه برتر را فراهم می کند.

بروس (Bruce) (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی اثرات کسری تجاری بر رشد، توسعه و رفاه پرداخت. او در مطالعه خود از دو رویکرد داده های مقطعی و پنل و رویکرد متغیرهای ابزاری برای رفع تعصبات احتمالی در برآورد اثرات کسری های تجاری استفاده کرد. این مطالعه تأیید می کند که کسری های تجاری تأثیرات مضر بر روندهای رشد اقتصادی دارند. این موضوع نشان می دهد که کشورهایی که کسری های تجاری بالاتری دارند، معمولاً رشد اقتصادی کمتری را تجربه می کنند، فقر بیشتری را متحمل می شوند و در معرض بحران های سیستماتیک بیشتری نسبت به کشورهایی با مازاد تجاری قرار می گیرند. همچنین، مدل های آماری مختلفی برای تحلیل رابطه بین کسری های تجاری و رشد استفاده شد. نتایج نشان داد که تراز تجاری مثبت

پیش‌بینی‌کننده بهتری برای سطوح درآمد نسبت به حجم تجارت است، که ایده مضر بودن کسری‌های تجاری برای توسعه اقتصادی را تأیید می‌کند.

فاسورانتی و آکیندله (Akindele & Fasoranti) (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کسری بودجه و رفاه مصرف‌کننده در نیجریه پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از رویکرد حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده (Fully Modified Ordinary Least Squares (FMOLS) Approach) استفاده کردند و ویژگی‌های سری زمانی داده‌ها را با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی فولر (Augmented Dickey-Fuller (ADF) Test) و آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن (Johansen's Cointegration Test) مورد آزمون قرار دادند. همچنین دوره زمانی مطالعه‌ی آن‌ها برای سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ بوده است. نتایج نشان داد که بین رفاه مصرف‌کننده و کسری بودجه رابطه علی یک طرفه و بین رفاه مصرف‌کننده و مالیات غیرمستقیم علیت دو طرفه وجود دارد. همچنین، کسری بودجه کمترین تأثیر مثبت و ناچیز را بر رفاه مصرف‌کننده دارد، زیرا افزایش ۱ درصدی کسری بودجه باعث افزایش کمتر از ۱ درصدی (۰/۰۰۸) در رفاه مصرف‌کننده شده است. بدین ترتیب این مطالعه نتیجه گرفت که کسری بودجه تأثیر معناداری بر رفاه مصرف‌کننده در طول دوره مورد مطالعه نداشته است. بنابراین لازم است که دولت با ترویج احتیاط مالی و انضباطی که ضایعات و پیوندهای موجود در سیستم را کاهش می‌دهد، استراتژی مالی ایجاد کند که در جهت سود رفاه مصرف‌کننده باشد.

عصمت (İsmet) و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی اثرات شکاف پس‌انداز- سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی پرداختند. آن‌ها از روش ریشه واحد پانل و خوشه بندی نمونه‌ای شامل ۶۵ کشور در مطالعه خود استفاده کردند. دوره زمانی مطالعه آن‌ها برای سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۱۴ بوده است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد در حالی که اثر پس‌انداز بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که پس‌انداز بیش از سرمایه‌گذاری دارند مثبت و از نظر آماری معنادار است، اما در کشورهای در حال توسعه که سرمایه‌گذاری بر پس‌انداز دارند، این اثر منفی و از نظر آماری ناچیز است.

خان (Khan) و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی تحت عنوان: محدودیت‌های رشد اقتصادی پاکستان: مدل سه شکاف، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹ برای کشور پاکستان، نشان دادند افزایش فرصت سرمایه‌گذاری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه و نرخ ارز پایدار، با افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه، کسری حساب جاری را کاهش می‌دهد. در این مطالعه، یافته‌های رشد با محدودیت پس‌انداز نشان می‌دهد که

افزایش درآمدهای مالیاتی باعث افزایش پس انداز عمومی و کاهش شکاف پس انداز و سرمایه گذاری می شود که نرخ رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی را تسریع می کند. در رشد محدود مالی، یافته ها نشان می دهد که با افزایش سرمایه گذاری خصوصی، درآمد مالیاتی افزایش می یابد و در نتیجه شکاف مالی کاهش می یابد. درآمد مالیاتی بالاتر و استقراض عمومی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه را افزایش می دهد. بنابراین نتایج نهایی مطالعه آنها بیانگر آن بود که رشد اقتصادی پاکستان به دلیل سه شکاف ارز خارجی، پس انداز و سرمایه گذاری و شکاف های مالی محدود شده است. برای افزایش رشد اقتصادی، رفع این شکاف ها ضروری است.

زروکی و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی ناترازی بودجه دولت بر رفاه اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه های توضیحی غیرخطی پرداختند. نتایج بررسی آن ها حاکی از آن بود که ناترازی بودجه عمومی، عملیاتی و سرمایه ای اثر نامتقارن بر رفاه اقتصادی ایران دارد. به نحوی که کاهش در ناترازی بودجه عمومی اثر منفی (مطلوب) بر رفاه اقتصادی داشته و افزایش آن، اثر معناداری نداشته است. همچنین، اثر مطلوب افزایش در ناترازی سرمایه ای از اثر نامطلوب کاهش آن، بیشتر بوده. در نهایت، افزایش در ناترازی بودجه عملیاتی، اثر مطلوب بر رفاه داشته اما کاهش آن، اثر معناداری بر رفاه نداشته است.

۳. روش شناسی پژوهش

۱.۳ شاخص ترکیبی رفاه و الگوی پژوهش

در پژوهش حاضر، از بین شاخص های مختلف رفاه اقتصادی به علت این که جنبه اقتصادی ۱.۳ رفاه تأکید شده است و همچنین مشخصه های ویژه شاخص رفاه و توانایی در خلاصه کردن مقدار زیادی از اطلاعات و تحلیل واقعی تر از رفاه افراد از شاخص ترکیبی رفاه (Integrated Economic Well-Being Index (IEWB)) به عنوان شاخصی جامع و فراگیر، جهت بررسی الگوی مورد نظر پژوهش حاضر استفاده می شود. شاخص IEWB، رفاه اقتصادی را تابعی از ابعاد جریان مصرف سرانه مؤثر، خالص انباشت اجتماعی ذخایر و منابع مولد ثروت، نابرابری اقتصادی و ناامنی اقتصادی در نظر می گیرد. در این راستا برای هر یک از این ابعاد به روش خاصی وزن هایی در نظر گرفته می شود؛ بنابراین وزن اختصاص یافته به هر بُعد با توجه به مشاهدات مختلف، متفاوت خواهد بود (اُزبرگ و شارپ (Osberg & Sharpe)، ۲۰۰۹). فرم کلی این شاخص به صورت زیر است:

$$IEWB = CF + WS + ID + ES \quad (۱)$$

مقدار شاخص رفاه اقتصادی را با اجزای چهارگانه‌ای اندازه می‌گیرند که عبارت از جریان مصرف (Consumption Flow) (CF)، موجودی دارایی مولد (Wealth Stocks) (WS)، توزیع درآمدهای فردی (Distribution of Individual Income) (ID) و سطح امنیت اقتصادی (Level of Economic Security) (ES) می‌باشد. توضیح تکمیلی آنکه جهت محاسبه شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی، باتوجه به نسبت اهمیت هر یک از اجزای شاخص، به هر کدام از ابعاد به ترتیب، ضرایب مختلفی تعلق می‌گیرد. در این مطالعه نیز باتوجه به مطالعات گذشته و به پیروی از مطالعه اُزبرگ و شارپ (۲۰۰۹)، ضرایب اجزاء چهارگانه به ترتیب، ۰/۴ به مصرف، ۰/۱ به موجودی منابع مولد و به دو جزء توزیع درآمد و امنیت اقتصادی ضریب یکسان ۰/۲۵ اختصاص داده شده است. توضیح پایانی آنکه باتوجه به متفاوت بودن واحد سنجش هر یک از ابعاد، قبل از محاسبه میانگین وزنی، مقادیر محاسباتی هر یک از ابعاد نرمالایز می‌شود. بدین مفهوم که اگر بُعد با x نشان داده شود، از فرمول زیر آن بُعد نرمال شده است:

$$x_N = \frac{x_i - x_{min}}{x_{max} - x_{min}}$$

با توجه به روش مذکور شاخص ترکیبی رفاه در دوره زمانی ۱۳۵۰ الی ۱۴۰۲ محاسبه شده است. همان‌طور که در مقدمه بدان اشاره شد هدف پژوهش حاضر بررسی اثر کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس‌انداز بر رفاه در ایران است. برای این منظور از رهیافت خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده شده است. از رهیافت ARDL بیشتر به منظور آزمون فرضیه‌ها و نظریه‌های اقتصادی استفاده می‌شود و گاهی نیز، قابلیت استفاده به منظور پیش‌بینی را دارد. اهمیت رهیافت ARDL را می‌توان از چند بعد مورد بررسی قرارداد. با توجه به اینکه در این الگوها از وقفه‌های متغیرهای وابسته و مستقل استفاده می‌شود، قابلیت بررسی اثر تأخیری متغیرها در آن فراهم است. از طرف دیگر، این الگوها قابلیت استفاده از متغیرهای با درجه انباشتگی مختلف را برای محققان فراهم می‌کند. در ادامه الگوی پژوهش مبتنی بر رابطه (۲) به شرح زیر تصریح می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta IEWB_t = & \rho IEWB_{t-1} + \gamma BDR_{t-1} + \omega SIDR_{t-1} + \varphi TDR_{t-1} + \delta Inf_{t-1} + \\ & \theta PCI_{t-1} + \sum_{i=1}^{p-1} \rho_i \Delta IEWB_{t-i} + \sum_{i=0}^{q-1} \gamma_i \Delta BDR_{t-i} + \sum_{i=0}^{r-1} \omega_i \Delta SIDR_{t-i} + \\ & \sum_{i=0}^{s-1} \varphi_i \Delta TDR_{t-i} + \sum_{i=0}^{u-1} \delta_i \Delta Inf_{t-i} + \sum_{i=0}^{t-1} \theta_i PCI_{t-i} + \varepsilon_t \end{aligned} \quad (۲)$$

به نحوی که در آن، $IEWB$ به عنوان متغیر وابسته بیانگر رفاه اقتصادی می‌باشد و با شاخص ترکیبی رفاه محاسبه شده است. BDR ، $SIDR$ و TDR به ترتیب بیانگر کسری بودجه دولت،

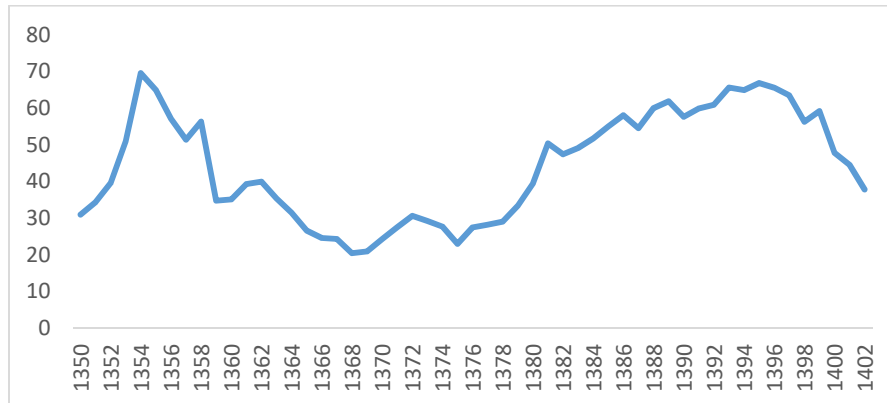
تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۱۷

شکاف پس اندازی (اختلاف پس انداز از سرمایه گذاری) و کسری تزار تجاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است که از درگاه بانک مرکزی کشور استخراج شده است. همچنین PCI و Inf به ترتیب برابر با نرخ تورم و درآمد سرانه حقیقی می باشد.

۲.۳ توصیف داده های پژوهش

نمودار زیر، روند حرکتی شاخص رفاه اقتصادی در ایران را از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲ نشان می دهد. همانطور که در نمودار مشخص است، در این بازه زمانی، شاخص رفاه نوسانات قابل توجهی را تجربه کرده است. اوج این شاخص در اواسط دهه ۱۳۵۰ مشاهده می شود که نشان دهنده وضعیت نسبتاً مناسب اقتصادی در آن زمان است که احتمالاً به دلیل رونق درآمد نفتی بوده است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و شروع جنگ ایران و عراق، این شاخص با کاهش محسوسی مواجه شد و این کاهش در شاخص رفاه تا پایان جنگ ادامه داشته است. در اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰، با اجرای برنامه های توسعه ای و افزایش قیمت نفت، شاخص رفاه به تدریج بهبود یافته و به سطح نسبتاً بالایی می رسد. اما وقوع تحریم ها در اواسط دهه ۱۳۷۰ و ادامه آن در سال های پس از آن، باعث بروز چالش های اقتصادی جدی و افت مستمر این شاخص شد. در سال های اخیر، به ویژه با تأثیرات برجام و سپس بازگشت تحریم ها، شاخص رفاه دوباره نوساناتی را تجربه کرده است و پس از سال ۱۳۹۳، روندی کاهشی را آغاز نموده است. از سوی دیگر، عواملی چون تورم و چالش های اقتصادی داخلی همچنان تأثیرات منفی بر روی این شاخص دارند. به طور کلی، نمودار نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ بین وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و تغییرات شاخص رفاه اقتصادی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

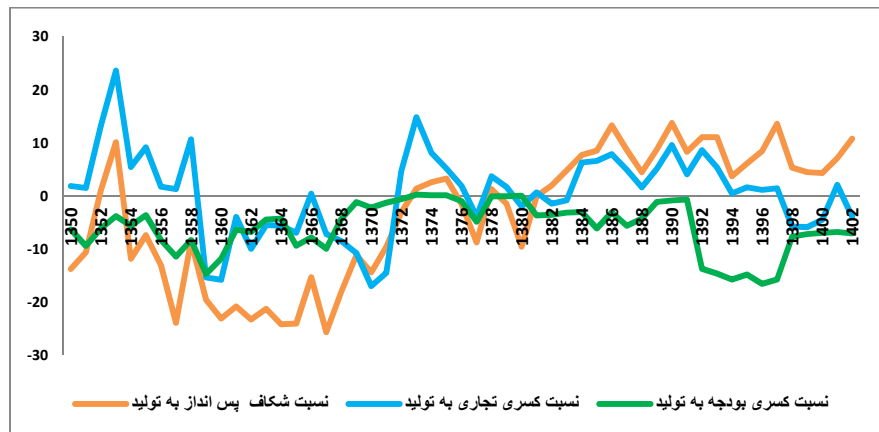


نمودار ۱. روند حرکتی شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

در تحلیل نموداری مربوط به نسبت کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس‌انداز به تولید در ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲، روند حرکتی این سه متغیر نکات مهم و قابل توجهی را نشان می‌دهد (نمودار ۱). نسبت کسری بودجه به تولید در آغاز بررسی، نوسانات شدیدی را از خود نشان می‌دهد که ناشی از تغییرات اقتصادی و سیاسی در دهه ۱۳۵۰ و اوایل ۱۳۶۰ است. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی باعث شد تا دولت مجبور به افزایش هزینه‌ها شود، که منجر به کسری بودجه شد. از سال‌های ۱۳۷۰ به بعد، شاهد کاهش مداوم این نسبت هستیم، که دلیل آن بهبودهای اقتصادی و مدیریت منابع در دولت‌های وقت برمی‌گردد. با این حال، از اوایل دهه ۱۳۹۰ و با تشدید تحریم‌ها و افزایش هزینه‌های اجتماعی، دوباره شاهد افزایش این نسبت هستیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۲. نسبت کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس انداز به تولید ناخالص داخلی (درصد)

منبع: یافته‌های پژوهش

نسبت کسری تجاری به تولید نیز نوساناتی مشابه نشان می‌دهد. این نسبت در بازه پایانی دهه ۱۳۵۰ و اوایل دهه ۱۳۶۰ به دلیل تحریم‌ها و عدم ثبات اقتصادی به شدت اوج می‌گیرد. با کاهش تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت در اواسط دهه ۱۳۷۰ این متغیر روند بهتری به خود می‌گیرد، ولی از سال‌های ۱۳۹۰ به بعد، با افت قیمت نفت و مشکلات اقتصادی، دوباره شاهد افزایش کسری تجاری هستیم. نسبت شکاف پس انداز و سرمایه‌گذاری به تولید در ابتدا روندی نزولی را تجربه می‌کند که ناشی از ناپایداری‌های اقتصادی و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران در دوران جنگ و انقلاب است. پس از آن و با بهبود شرایط اقتصادی در دهه ۱۳۸۰، این نسبت به تدریج افزایش می‌یابد. اما از اواسط دهه ۱۳۹۰ دوباره به دلیل مشکلات اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، افت می‌کند. در مجموع، این سه متغیر نشان‌دهنده تأثیر مستقیم سیاست‌های اقتصادی، تحریم‌ها و ناپایداری‌های سیاسی بر رفاه اقتصادی در ایران هستند. افزایش نسبت کسری‌های مختلف به تولید در سال‌های اخیر، گواهی بر چالش‌های جدی اقتصادی و نیاز به استراتژی‌های حل بحران اقتصادی در کشور است. این بررسی تحلیلی می‌تواند به درک بهتر شرایط اقتصادی ایران و راهکارهای موجود برای بهبود رفاه اقتصادی کمک کند. جهت تبیین داده‌ها، میانگین متغیرهای اصلی پژوهش در کل دوره و ۸ زیر دوره محاسبه شده است که به شرح جدول (۱) می‌باشد. جدول ارائه شده، میانگین متغیرهای پژوهش را برای سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲ به تصویر می‌کشد. این جدول شامل تحلیل دقیق چندین شاخص کلیدی اقتصادی است

که بر شاخص رفاه تأثیرگذارند و روند تغییرات آنها در بازه‌های زمانی مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای توصیف جدول میانگین متغیرهای پژوهش، به تحلیل هر یک از متغیرها پرداخته و نوسانات و تحولات اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف را بررسی می‌کنیم:

۱. رفاه اقتصادی (میانگین کل دوره: ۲/۴۴ واحد، بیشترین میانگین: ۶/۶۲ واحد در برنامه پنجم توسعه، کمترین میانگین: ۴/۲۵ واحد در برنامه اول توسعه). رفاه اقتصادی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در ارزیابی کیفیت زندگی در ایران، نوسانات قابل توجهی را نشان می‌دهد. بالاترین میزان رفاه اقتصادی در برنامه پنجم توسعه به دلیل تعدادی از سیاست‌های اقتصادی فعال و افزایش درآمدهای نفتی بوده است. در مقابل، کمترین مقدار در برنامه اول توسعه به شرایط بحرانی کشور بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی برمی‌گردد که فشار اقتصادی بر روی خانواده‌ها افزایش یافت.

۲. نسبت شکاف پس‌انداز به تولید (میانگین کل دوره: ۳/۳- درصد، بیشترین میانگین: ۹ درصد در برنامه پنجم توسعه، کمترین میانگین: ۸/۲۰- درصد در دوره انقلاب تا پایان جنگ). نسبت شکاف پس‌انداز به تولید منعکس‌کننده وضعیت مالی خانوارها و مشکلات اقتصادی است. بالاترین مقدار در برنامه پنجم توسعه نشان‌دهنده افزایش پس‌اندازها و بهبود اوضاع اقتصادی بود. اما در دوره انقلاب تا پایان جنگ، شکاف منفی نشان‌دهنده کاهش شدید پس‌اندازها و فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ بود.

۳. نسبت کسری بودجه کل به تولید (میانگین کل دوره: ۹/۵- درصد، بیشترین میانگین: ۱/۱- درصد در برنامه دوم، کمترین میانگین: ۱۰- درصد در برنامه پنجم). کسری بودجه یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی ایران است. در برنامه دوم، وضعیتی نسبتاً پایدار وجود داشت که کسری کم‌تری را نشان می‌دهد. اما در برنامه پنجم، افزایش کسری بودجه به دلیل فشارهای اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی بر اثر تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی بود.

۴. نسبت کسری تجاری به تولید (میانگین کل دوره: ۵۲/۰ درصد، بیشترین میانگین: ۸ درصد در سال‌های قبل از انقلاب، کمترین میانگین: ۲/۵- درصد در انقلاب تا پایان جنگ). این نسبت نشان‌دهنده وضعیت تجاری کشور و تراز پرداخت‌ها است. در سال‌های قبل از انقلاب، تراز تجاری مثبت به دلیل رشد صادرات نفتی و فعالیت‌های اقتصادی مثبت بوده است. اما در دوره انقلاب تا پایان جنگ، کسری تجاری شدیداً افزایش یافته که ناشی از اختلالات اقتصادی و جنگ بوده است.

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۲۱

۵. تورم (میانگین کل دوره: ۵/۱۸ درصد، بیشترین مقدار: ۹/۳۱ درصد در برنامه ششم، کمترین مقدار: ۱۳ درصد در دوره قبل از انقلاب). نرخ تورم در ایران نوسانات زیادی داشته است. بیشترین مقدار در برنامه ششم به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و افزایش هزینه‌ها بوده است. در مقابل، دوره قبل از انقلاب با نرخ تورم پایین‌تری همراه بود که نشان‌دهنده ثبات اقتصادی در آن زمان است.

۶. درآمد سرانه (میانگین کل دوره: ۵/۵۳ میلیون ریال، بیشترین مقدار: ۷/۷۳ میلیون ریال قبل از انقلاب، کمترین مقدار: ۵/۳۳ میلیون ریال در برنامه اول توسعه). درآمد سرانه به عنوان یکی از نشانگرهای رفاه اقتصادی، بیشترین مقدار خود را در دوره قبل از انقلاب ثبت کرده است که ناشی از رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی بوده است. در حالی که کمترین مقدار در برنامه اول توسعه به بحران اقتصادی و فشارهای ناشی از جنگ تعلق دارد. این تحلیل نشان‌دهنده تأثیرات عمیق سیاسی و اقتصادی بر روی متغیرهای کلیدی اقتصادی در ایران است. نوسانات شدید در رفاه اقتصادی، کسری بودجه، و درآمد سرانه بیانگر ضرورت توجه به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پایدار و متوازن با هدف کاهش نوسانات و بهبود سطح رفاه عمومی در آینده است.

جدول ۲. میانگین متغیرهای پژوهش

زیردوره	رفاه اقتصادی	نسبت شکاف پس‌انداز به تولید (درصد)	نسبت کسری بودجه کل به تولید (درصد)	نسبت کسری تجاری به تولید (درصد)	تورم (درصد)	درآمد سرانه (میلیون ریال)
قبل از انقلاب	۴۹/۶	-۶/۴	-۶/۱	۸/۰	۱۳/۰	۷۳/۷
انقلاب تا پایان جنگ	۳۶/۲	-۲۰/۸	-۸/۶	-۵/۲	۱۶/۳	۴۶/۲
برنامه اول	۲۵/۴	-۹/۱۱	-۱/۵	-۵/۱	۱۹/۶	۳۳/۵
برنامه دوم	۲۷/۰	-۰/۶۱	-۱/۱	۳/۰	۲۱/۹	۳۸/۸
برنامه سوم	۴۳/۹	-۰/۸۴	-۲/۰	-۰/۳۷	۱۳/۱	۴۷/۲
برنامه چهارم	۵۶/۸	۸/۵۷	-۳/۸	۵/۴	۱۳/۸	۶۶/۰
برنامه پنجم	۶۲/۶	۹/۰	-۱۰/۰	۴/۹	۱۸/۳	۶۰/۳
برنامه ششم	۵۳/۵	۷/۷	-۹/۶	-۲/۱	۳۱/۹	۶۰/۵
میانگین کل دوره	۴۴/۲	-۳/۳	-۵/۹	۰/۵۲	۱۸/۵	۵۳/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. برآورد الگوی پژوهش و ارائه نتایج

در این بخش پس از بررسی روند مانایی متغیرها، جهت تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری، شکاف پس انداز بر رفاه اقتصادی، الگوی پژوهش با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی برآورد خواهد شد.

۱.۴ آزمون ریشه واحد

به منظور بررسی مانایی متغیرها، از آزمون‌های ریشه واحد و فلیپس پرون استفاده و خلاصه نتایج آزمون‌ها در جدول (۳) گزارش شده است. همان‌طور که در جدول (۳) مشخص است، نتایج هردو آزمون نشان می‌دهد که هیچ‌یک از متغیرها از درجه انباشت دو برخوردار نیست. همچنین برخی متغیرها مانا و برخی نامانا با درجه انباشت یک هستند. با توجه به درجه‌ی انباشت متفاوت برای متغیرها (صفر و یک)، یکی از بهترین روش‌های برآورد، رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی است. در این رهیافت، ضمن برآورد ضرایب کوتاه‌مدت، می‌توان الگوی تصحیح خطا (و به تبع آن ضریب جمله تصحیح خطا) را برآورد نمود و بر اساس آن، ضرایب بلندمدت را نیز استخراج نمود. لازم به توضیح است به دلیل متفاوت بودن درجه انباشت متغیرها در این رهیافت، شرط اساسی در وجود ضرایب غیرکاذب در بلندمدت (گرایش رابطه پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت) آن است که ضریب جمله تصحیح خطا بین منفی یک و صفر باشد و یا اینکه بر مبنای آزمون کرانه‌ها وجود رابطه تعادلی بلندمدت تأیید گردد.

جدول ۳. آزمون‌های ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته و فلیپس-پرون

متغیرها	دیکی-فولر تعمیم یافته				فلیپس-پرون			
	سطح		تفاضل مرتبه اول		سطح		در تفاضل مرتبه اول	
	آماره آزمون	سطح احتمال	آماره آزمون	سطح احتمال	آماره آزمون	سطح احتمال	آماره آزمون	سطح احتمال
IEWB	-۱/۵۶	۰/۴۹۶	-۵/۹۷	۰/۰۰۰	-۱/۷۹	۰/۳۷۶	-۵/۹۷	۰/۰۰۰
BDR	-۲/۶۱	۰/۰۹۷	-	-	-۲/۶۵	۰/۰۸۸	-	-
SIGR	-۱/۹۶	۰/۳۰۱	-۷/۷۵	۰/۰۰۰	-۱/۷۴	۰/۴۰۴	-۱۰/۰۲	۰/۰۰۰
TDR	-۳/۶۰	۰/۰۰۸	-	-	-۳/۵۷	۰/۰۰۹	-	-
Inf	-۲/۲۳	۰/۱۹۸	-۶/۷۷	۰/۰۰۰	-۲/۱۸	۰/۲۱۴	-۷/۹۶	۰/۰۰۰
IPC	-۱/۸۳	۰/۳۵۸	-۵/۹۲	۰/۰۰۰	-۲/۳۲	۰/۱۶۸	-۵/۹۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۲.۴ نتایج برآورد الگوی پژوهش

برآورد الگو با رهیافت ARDL نیازمند تعیین وقفه بهینه است. با توجه به تعداد مشاهدات در این الگو جهت تعیین وقفه بهینه از معیار شوارتز-بیزین استفاده شده است. کمینه‌ی آماره شوارتز-بیزین بیانگر وقفه بهینه سه می‌باشد. نتایج برآورد الگوی پژوهش در کوتاه‌مدت، آزمون‌های تشخیصی، آزمون کرانه‌ها و ضرایب بلندمدت در جدول (۳) گزارش شده است. مطابق جدول (۳) ضرایب برآوردی در کوتاه‌مدت بیانگر آن است که رفاه دوره قبل با ضریب $0/31$ اثری مثبت بر رفاه اقتصادی اکنون دارد؛ همچنین نسبت کسری بودجه به تولید با ضریب $-0/32$ بر رفاه اقتصادی به‌طور معکوس اثرگذار است. نسبت شکاف پس‌انداز به تولید مطابق با آزمون والد، با ضریبی معادل $0/19$ اثری مثبت بر رفاه اقتصادی دارد. نسبت کسری تجاری به تولید نیز مطابق آزمون والد در کوتاه‌مدت با اثری منفی (با ضریب $0/24$) بر رفاه همراه است. همچنین، مطابق با آزمون والد نرخ تورم نیز با ضریب $-0/86$ اثری منفی بر رفاه اقتصادی دارد. درآمد سرانه نیز با ضریبی معادل $0/16$ اثری مثبت بر رفاه دارد. ضریب برآوردی متغیر مجازی شروع انقلاب تا پایان جنگ ($Dum5568$) منفی و معنادار است. بدین تفسیر که در سال‌های ذکر شده، به‌طور متوسط سطح رفاه اقتصادی به میزان $2/72$ - نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته. همچنین، ضریب برآوردی متغیر مجازی پس‌اوج ($Dum96402$) منفی و معنادار است. بدین تفسیر که در سال‌های پس‌اوج ($1396-1401$) به‌طور متوسط سطح رفاه اقتصادی به میزان $9/16$ واحد نسبت به سال‌های قبل از آن کاهش یافته است. ضریب جمله تصحیح خطا برابر با $0/68$ - بوده و معنادار است. این بدان معنا است که هر سال 68 درصد از عدم تعادل در رفاه اقتصادی توسط متغیرهای توضیحی تصحیح و به سمت روند بلندمدت خود نزدیک شده است. نتایج برآوردهای بلندمدت به‌روشنی بیانگر اثرات منفی نسبت‌های کسری بودجه، کسری تجاری و تورم بر رفاه اقتصادی در ایران هستند. به‌طور مشخص، هر یک از این متغیرها با افزایش خود، به طرز چشمگیری رفاه جامعه را کاهش می‌دهند. به‌عنوان مثال، با یک واحد افزایش در نسبت کسری بودجه به تولید، شاهد کاهش $0/47$ واحدی در سطح رفاه خواهیم بود. این واقعیت حاکی از آن است که کسری بودجه نه‌تنها توانایی دولت را در تأمین خدمات عمومی و زیرساخت‌های حیاتی به چالش می‌کشد، بلکه به صورت مستقیم کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، نسبت کسری تجاری به تولید با کاهش $0/36$ واحدی در رفاه همراه است. این موضوع نمایانگر ناترازی‌های ساختاری در تجارت خارجی و وابستگی فزاینده به واردات است که می‌تواند منجر به کمبود کالاهای اساسی و در

نتیجه افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها شود. به‌طور مشابه، اثر منفی و چشمگیر تورم، که با کاهش ۱/۲۵ واحدی رفاه همراه است، نشان‌دهنده این است که افزایش قیمت‌ها می‌تواند به نابودی توان معیشتی مردم، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، منجر شود و امنیت اجتماعی را به خطر بیندازد. اما در این بین، نکته مثبتی نیز وجود دارد. نسبت شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به تولید و درآمد سرانه در بلندمدت تأثیرات مثبتی بر روی رفاه دارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که تقویت پس‌انداز و جذب سرمایه‌گذاری مولد می‌تواند به‌طور معناداری رفاه را افزایش دهد؛ به گونه‌ای که با یک واحد افزایش در نسبت شکاف پس‌انداز به تولید، رفاه به میزان ۰/۵۹ واحد افزایش می‌یابد. این نتایج حاکی از آن است که برای نیل به رشد پایدار و بهبود شرایط زندگی مردم، باید تلاش‌های جدی برای افزایش پس‌انداز و هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌های مؤثر صورت گیرد. همچنین، افزایش ۰/۲۳ واحدی در رفاه ناشی از رشد درآمد سرانه، به وضوح نشان می‌دهد که ارتقاء درآمد خانوارها نقش حیاتی در بهبود رفاه اقتصادی آن‌ها دارد. در این راستا، طرح‌های توسعه‌ای که بر افزایش درآمد سرانه و ایجاد فرصت‌های شغلی مؤثر تمرکز دارند، می‌توانند به عنوان محرک‌های اصلی تحول اقتصادی و اجتماعی در کشور عمل کنند و به آینده‌ای روشن‌تر برای همه ایرانیان یاری رسانند. سرانجام، نتایج آزمون‌های مربوط به خوبی برازش نشان می‌دهد که تمامی آزمون‌ها در سطح معناداری بالا قرار دارند و هیچ یک از فرضیات مشکلات جدی ندارند؛ به طور خاص، آزمون نرمالیتی با سطح احتمال ۵۸۳/۰ و آماره ۰۷/۱ نشان می‌دهد که توزیع باقی‌مانده‌ها نرمال است، و آزمون ناهمسانی واریانس با سطح احتمال ۱۳۱/۰ و آماره ۵۷/۱ تایید می‌کند که واریانس خطاها همگن است. همچنین، آزمون رمزی با سطح احتمال ۹۳۶/۰ و آماره نزدیک به صفر نشان می‌دهد که مدل از لحاظ تابعیت در سطح قابل قبول است، و آزمون خودهمبستگی سریالی هم با سطح احتمال ۶۶۳/۰ و آماره ۱۹/۰ حاکی از نبود هم‌همبستگی دنباله‌ای در خطاهای مدل است. همچنین، آزمون کرانه‌ها نیز، یکی از روش‌های معتبر و رایج در تحلیل هم‌انباشتگی در قالب مدل‌های خودرگرسیون با وقفه‌های توضیحی است. این آزمون بر مبنای فرضیه وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها استوار است و با ارزیابی هم‌زمان رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت، امکان تشخیص هم‌انباشتگی را فراهم می‌کند. بنابراین، آزمون کرانه‌ها، که برای بررسی پارامترهای رمزی استفاده می‌شود، در سطح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد، نشان می‌دهد که پارامترهای مدل در حدود و فاصله‌های قابل قبول قرار دارند، به طوری که تمامی کرانه‌های مورد نظر در محدوده قابل قبول قرار گرفته‌اند. بنابراین، نتایج این آزمون‌ها تایید می‌کنند که

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۲۵

مدل از برآزش مناسبی برخوردار است و فرضیات مهم تحلیل، از قبیل نرمال بودن، همگنی و عدم همبستگی باقی مانده‌ها، رعایت شده است. این اعتبار آماری نه تنها به سیاستگذاران کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های بهتری انجام دهند بلکه نیازمند توجه جدی از سوی تصمیم‌سازان است. بر اساس این یافته‌ها، سیاستگذاران ملزم به طراحی برنامه‌های اقتصادی پایدار و کارآمد هستند تا با مدیریت کسری‌های موجود، به بهبود رفاه اقتصادی در ایران پرداخته و آینده‌ای روشن برای ملت رقم بزنند.

جدول ۳. نتایج برآورد الگوی پژوهش

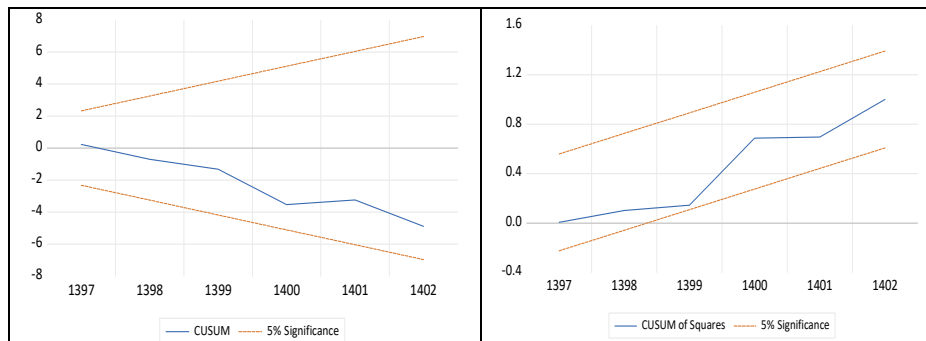
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	سطح احتمال	
$IEWB_{(-1)}$	۰/۳۱	۶/۱۹	۰/۰۰۰	کوتاه‌مدت
BDR	-۰/۳۲	-۳/۰۷	۰/۰۰۴	
$SIGR$	۰/۰۴	۰/۹۶	۰/۳۴۲	
$SIGR_{(-1)}$	-۰/۳۳	-۴/۰۳	۰/۰۰۰	
$SIGR_{(-2)}$	۰/۶۹	۸/۱۲	۰/۰۰۰	
TDR	-۰/۱۵	-۲/۱۸	۰/۰۳۶	
$TDR_{(-1)}$	۰/۴۲	۴/۹۲	۰/۰۰۰	
$TDR_{(-2)}$	-۰/۵۱	-۸/۷۰	۰/۰۰۰	
Inf	-۰/۳۴	-۶/۰۶	۰/۰۰۰	
$INF_{(-1)}$	-۰/۱۳	-۲/۵۲	۰/۰۱۶	
$Inf_{(-2)}$	-۰/۰۴	-۰/۹۰	۰/۳۷۴	
$Inf_{(-3)}$	-۰/۳۳	-۶/۴۳	۰/۰۰۰	
IPC	۰/۱۶	۲/۵۴	۰/۰۱۵	
$Dum5568$	-۲/۷۲	-۲/۳	۰/۰۲۵	
$Dum96402$	-۹/۱۶	-۵/۹۷	۰/۰۰۰	
جمله تصحیح خطا	-۰/۶۸	-۸/۴۹	۰/۰۰۰	
آزمون والد جهت برآیند ضرایب				
$Wald_{Inf} = 131/35(0.000)[-0/86]$				
$Wald_{TDR} = 5/99(0/02)[-0/24]$				
$Wald_{SIGR} = 3/71(0/062)[0/19]$				
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	سطح احتمال	
BDR	-۰/۴۷	-۳/۷۴	۰/۰۰۰	بلندمدت

۰/۰۰۱	۳/۵۰	۰/۵۹	SIGR	
۰/۰۱۴	-۲/۵۷	-۰/۳۶	TDR	
۰/۰۰۰	-۱۱/۹۱	-۱/۲۵	Inf	
۰/۰۰۶	۲/۹۲	۰/۲۳	IPC	
آزمون‌های تشخیصی				
۱/۰۷	آماره	سطح احتمال	نرمالیتی	
۰/۵۸۳				
۱/۵۷	آماره	سطح احتمال	ناهمسانی واریانس	
۰/۱۳۱				
۰/۰۰	آماره	سطح احتمال	آزمون رمزی	
۰/۹۳۶				
۰/۱۹	آماره	سطح احتمال	خودهمبستگی سریالی	
۰/۶۶۳				
آزمون کرانه‌ها				
سطح خطا	کرانه بالا	کرانه پایین	آماره آزمون	۸/۶۷
٪۱	۵/۵۲	۴/۲۱		
۵٪	۴/۲۹	۳/۱۴		
٪۱۰	۳/۶۹	۲/۷۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از برآورد مدل رگرسیونی و انجام آزمون‌های تشخیصی، نوبت به آزمون‌های ثبات ساختاری می‌رسد. در این راستا از آزمون‌های ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی که منعکس‌کننده ثبات در ضرایب برآوردی در طول دوره مورد بررسی می‌باشد، استفاده شده است. اگر نمودار پسماند تجمعی و یا نمودار مذکور پسماند تجمعی، بین دو خط مقطع مستقیم قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری را نمی‌توان رد نمود. در غیر این صورت، فرضیه رقیب مبنی بر وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون‌های مذکور در نمودار (۳) منعکس شده است. نمودار (۳) مویید آن است که ضرایب برآوردی الگوی پژوهش در قالب نخست در دوره مورد بررسی دارای ثبات ساختاری بوده و وجود شکست ساختاری پذیرفته نمی‌شود.

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۲۷



نمودار ۳. آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش کسری‌ها (اعم از تجاری، بودجه و شکاف پس‌انداز) بر رفاه اقتصادی در ایران پرداخته است. بدین منظور، ابتدا رفاه اقتصادی با استفاده از شاخص ترکیبی، برای سال‌های مورد بررسی محاسبه گردیده که نتایج حاکی از آن است که در طول دوره ۵۳ ساله مورد بررسی، میانگین رفاه اقتصادی در ایران برابر با $44/2$ می‌باشد. همچنین، روند حرکتی رفاه اقتصادی نشان‌دهنده آن است که رفاه که قبل از انقلاب در فرآیندی صعودی قرار داشت. بعد از انقلاب تا جنگ فرآیند نزولی شد و پس بعد از جنگ فرآیندی صعودی را با شیب ملایم‌تری نسبت به سال‌های انتهایی قبل از انقلاب آغاز کرد. به‌طوری‌که در سال ۹۵ به بیشترین میزان خود (بعد از سال ۱۳۵۴) یعنی $66/8$ رسیده و مجدداً شروع به کاهش کرد. این کاهش ناشی از افزایش تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است که از طریق کاهش درآمدهای نفتی، کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم موجب کاهش سطح رفاه شده است. همچنین، جهت بررسی اثر کسری‌ها بر رفاه، کسری‌ها در سه قالب و به صورت نسبی از تولید مورد بررسی قرار گرفته و به عبارت دیگر مقایسه اثرات آن‌ها بر رفاه اقتصادی بررسی شده است. میانگین نسبت کسری بودجه به تولید طی دوره مورد بررسی $5/9$ - بوده است. میانگین نسبت کسری تجاری به تولید $0/52$ و در نهایت، میانگین نسبت شکاف پس‌انداز به تولید نیز $3/3$ - بوده است. در ادامه جهت بررسی اثر کسری‌ها (بودجه، تجاری، شکاف پس‌انداز) بر رفاه، از روش رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی خطی (ARDL) در برآورد الگو استفاده شده است. در این روش علاوه بر اثر کسری‌ها، با توجه به تأثیرپذیری رفاه اقتصادی از تورم و

درآمد سرانه، اثر این دو عامل نیز بر رفاه برآورد شده است. نتایج اثر کسری‌ها (بودجه، تجاری و شکاف پس‌انداز) بر رفاه به شرح جدول (۵) است.

جدول ۵. مقایسه اثرات کسری (بودجه، تجاری، شکاف پس‌انداز) بر رفاه اقتصادی

کوتاه‌مدت	نسبت کسری بودجه به تولید	-۰/۳۲
	نسبت کسری تجاری به تولید	-۰/۲۴
	نسبت شکاف پس‌انداز به تولید	۰/۱۹
بلندمدت	نسبت کسری بودجه به تولید	-۰/۴۷
	نسبت کسری تجاری به تولید	-۰/۳۶
	نسبت شکاف به تولید	۰/۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق جدول فوق که خلاصه‌ای کوتاه از نتایج برآورد است، در کوتاه‌مدت اثر نسبت کسری بودجه به تولید (اثر نامطلوب)، بیشتر از اثر نسبت کسری تجاری به تولید (اثر نامطلوب) بر رفاه است. همچنین، اثر نامطلوب آن‌ها (نسبت کسری بودجه به تولید و نسبت کسری تجاری به تولید) از اثر مطلوب نسبت شکاف پس‌انداز بر رفاه بیشتر است. در بلندمدت نیز به مانند کوتاه‌مدت ضمن برقراری اثر معکوس نسبت کسری بودجه به تولید و نسبت کسری تجاری به تولید بر رفاه و نیز برقراری اثر مستقیم نسبت شکاف پس‌انداز به تولید بر رفاه، تفاوت در اندازه اثرگذاری سه متغیر نیز تأیید شده است. به نحوی که در بلندمدت اثر (مطلوب) نسبت شکاف پس‌انداز به تولید بر رفاه بیش از اثر (نامطلوب) نسبت کسری بودجه به تولید بر رفاه بوده و نیز اثر آن‌ها (نسبت شکاف پس‌انداز به تولید و نسبت کسری بودجه به تولید) بر رفاه، بیش از اثر (نامطلوب) نسبت کسری تجاری به تولید بر رفاه می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس‌انداز نشان می‌دهد که در هر دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت، کسری‌های موجود اثرات منفی قابل توجهی بر رفاه اقتصادی ایران دارند. نسبت کسری بودجه به تولید در بلندمدت با ۰/۴۷- نشان‌دهنده فشارهای مالی شدید بر سرانه درآمد عمومی و خدمات رفاهی است. همچنین، نسبت کسری تجاری منفی در هر دو افق زمانی بیانگر ناترازی در تجارت خارجی و وابستگی به واردات است که می‌تواند به ناپایداری اقتصادی و افزایش تورم کمک کند. از سوی دیگر، شکاف پس‌انداز مثبت در هر دو دوره نشان‌دهنده نیاز به جذب سرمایه‌گذاری بیشتر برای تحریک رشد اقتصادی و تأمین رفاه عمومی

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۲۹

است. این تحلیل به وضوح نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که به بهبود این نسبت‌ها کمک کرده و به رشد و توسعه پایدار کمک کنند.

همچنین، طبق نتایج حاصل از این پژوهش مبنی بر اثر کسری بودجه، کسری تجاری و شکاف پس‌انداز بر رفاه در ایران، چندین پیشنهاد مطرح می‌شود: ۱. دولت باید به دنبال اصلاحات مالی برای کاهش کسری بودجه باشد، از جمله کاهش هزینه‌های غیرضروری و بهینه‌سازی درآمدها از طریق مالیات. ۲. نیاز به تسهیل صادرات و متنوع‌سازی محصولات صادراتی وجود دارد تا کسری تجاری کاهش یابد و به توازن تجاری بیشتری برسیم. ۳. سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌تواند به کاهش شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کمک کند و رشد اقتصادی را تسهیل نماید. ۴. ایجاد شبکه‌های حمایتی برای اقشار آسیب‌پذیر در برابر نوسانات اقتصادی، به ویژه در زمان افزایش کسری‌ها، می‌تواند رفاه را افزایش دهد. ۵. دولت باید بر روی برنامه‌های ضدتورمی و ثبات اقتصادی کار کند تا به تقویت اعتماد عمومی و افزایش توان خرید و رفاه مردم کمک کند.

محدودیت‌های پژوهش: شایان ذکر است که در این مطالعه، محدودیت‌هایی در مدلسازی و تحلیل داده‌ها وجود دارد که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها، فقدان مشاهدات مربوط به برخی متغیرهای اقتصادی دیگر در دوره مورد مطالعه است. همچنین، در برآورد مدل، به دلیل محدودیت در تعداد مشاهدات و نیاز به حفظ درجه آزادی، برای اطمینان از صحت و پایداری نتایج، از ورود این متغیرها صرف‌نظر شد. با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌گردد که در مطالعات آینده، متغیرهایی که به دلیل محدودیت‌های ذکر شده، در مطالعه کنونی وارد نشده‌اند، در مدل لحاظ و اثرات آن‌ها مورد بررسی قرار گیرند. این رویکرد می‌تواند عمق و گستردگی تحلیل را افزایش داده و نتایج جامع‌تری را ارائه دهد.

کتاب‌نامه

- حسینی، محمد رضا و جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۹). برآورد و ارزیابی روند رفاه اقتصادی ایران با استفاده از شاخص ترکیبی CIEWB. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۴(۴۲)، ۱۰۱-۱۲۲.
- کهنسال، محمدرضا و علیزاده، پریسا (۱۳۹۴). بررسی فرضیه کسری دوگانه در اقتصاد ایران: رهیافت خود رگرسیون برداری آستانه‌ای دو رژیم، فصلنامه نظریات کاربردی اقتصاد، دوره ۲(۳)، ۷۳-۹۲.
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی؛ میری لاداری، سیده سهیلا و راسخیریا، سعید (۱۴۰۱). تأثیر صکوک بر کسری‌های دولتی در کشورهای منتخب. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۲(۱)، ۱۵۳-۱۸۴.

- Banaszak, A. (2018). Welfare as a form of ensuring the social safety of society and an effective and successful tool in election campaigns (Thoughts based on the situation in contemporary Poland). *Regional Formation & Development Studies*, 26(3), 16-25.
- Fasoranti, M. M., & Akindele, O. O. (2015). An assessment of the relationship between budget deficit syndrome and consumer welfare in Nigeria (1985–2014). *Journal of Social Economics Research*, 2(4), 58-74.
- Fletcher, G. (2022). *Welfare*. In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
- Furceri, D., & Zdzienicka, A. (2020). Twin deficits in developing economies. *Open Economies Review*, 31, 1-23.
- Gocer, I., Akin, T., & Alatas, S. (2016). The effects of saving-investment gap on economic growth in developing countries: A clustering and panel data analysis. *Theoretical & Applied Economics*, 2(607), 157-172.
- Greve, B. (2008). What is welfare?. *Central European Journal of Public Policy*, 2(1), 50-73.
- Greve, B. (2018). What is welfare and public welfare?. In *Routledge handbook of the welfare state* (pp. 5-12). Routledge.
- Kafaie, S. M. A., & Pourfathy, N. (2020). Investigation of the effect of exchange rate volatility on economic welfare and determination of appropriate monetary policy. *Quarterly Journal of Economic Strategy*, 8(31), 5-42. (In Persian)
- Kurantın, N. (2017). The effects of budget deficit on economic growth and development: The experience of Ghana (1994–2014). *European Scientific Journal, ESJ*, 13(4), 2-16.
- Mellini, A., & Silva, G. J. C. D. (2022). The twin deficit theory in a dynamic consistent stock-flow model for an open economy. *Brazilian Journal of Political Economy*, 42, 761-784.
- Moon, B. E. (2005, March). Deficits in trade, deficits in development. In *annual meeting of the International Studies Association, Honolulu, March* (pp. 1-5).
- Pakistan's Economic Growth Restraints: The Three-Gap Model*. (2023). <https://doi.org/10.33897/fujbe.v8i1.704v>.
- Panić, M. (2007). Does Europe need neoliberal reforms?. *Cambridge Journal of Economics*, 31(1), 145-169.
- Roy, A. G., & Van den Berg, H. (2009). Budget deficits and US economic growth. *Economics Bulletin*, 29(4), 3015-3030.
- Şen, A., Şentürk, M., Sancar, C., & Akbaş, Y. E. (2014). Empirical findings on triplet deficits hypothesis: The case of Turkey. *Journal of Economic Cooperation and Development*, 35(1), 81-102.
- Sharpe, A. (1999). *A survey of indicators of economic and social well-being*. Ottawa: Centre for the Study of Living Standards.
- Spicker, P. (2022). *States and Welfare States: Government for the People*. Policy Press.
- Stolorz, S. (2005). Perceived Welfare Effects of Current Account Deficit-Evidence from American Economy 1967-2005. Available at SSRN 2146144.

تحلیل اثر کسری بودجه، کسری تجاری و ... (شهریار زروکی و دیگران) ۱۳۱

Tan, K. H. (1997). Can budget deficits improve welfare in both the short run and long run?. *Economic Record*, 73(220), 16-21.

Wray, L. R. (2006). *Twin Deficits and Sustainability* (No. 06-3). Levy Economics Institute.

Zaroki, Sh., Nasrnejad Nasheli, S., Mitra, N., & Masoomah, Kh, G. (2024). The effect of buget imbalance on economic welfare in Iran, *Applied Economics Studies of Iran*, 12(48): 73-105.

